

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

۲۲ اگست ۲۰۲۱

جانیان اسلامی طالب با حمایت آشکار دول سرمایه داری به قدرت سیاسی بازگشتند!

سیر تحولات این چند سال اخیر، به ویژه توافق امریکا و طالبان که چیزی جز مهندسی و شکل دادن به «امارت اسلامی سرمایه» نیست، خود بیانگر دست شستن بورژوازی جهانی از پروژه دموکراتیزاسیون – امپریالیستی در افغانستان بود؛ با فروپاشی پرشتاب و باور نکردنی دولت پوشالی به رهبری اشرف غنی آن هم در ظرف چند روز، که بدون شک امریکا و متحدانش در آن نقش اصلی و اساسی را بازی کردند، با بازگشت مجدد و بالمنازع طالبان به قدرت سیاسی سناریوی بر پائی «امارت اسلامی» اجرائی و به واقعیت پیوست. در مناسبات کاپیتالیستی تعویض مهره ها متناسب به نیاز و منافع آن و جاگزینی یکی با حذف دیگری، که علی رغم تفاوت در شکل مضمون واحدی دارند، بی پیشینه نبوده و نیست.

همین اکنون جهت سامان یافتن هرچه زودتر «امارت اسلامی» مطلوب سرمایه داری جهانی تلاش مستمر برای پیوند نیروها و فیگورهای که همه محصول پروژه واحدی هستند، در جریان می باشد. اعلام «عفو عمومی» توسط سران طالبان و حضور برخی از رهبران اسلامی-قومی در پاکستان و مذاکره با دولتمردان آن، تلاشی است که زمینه هم کاسه ساختن رهبران مجاهدین، تکنوکراتها و دست پرورده های نظام در محوریت طالبان را با اصطکاک کمتری ممکن سازد.

پیآمد های آنی تسلط طالبان و هژمونی تنوکراسی در جغرافیای افغانستان، در کنار از دست رفتن آزادی های دموکراتیک نیم بند چیزی نیست جز بی حقوقی کامل زنان در همه عرص های اجتماعی؛ چیزی که امپریالیسم امریکا تهاجم نظامی اش در بیست سال قبل را با آنها توجیه می کرد. وضعیت شدیداً ناهنجار و هولناک و ضدانسانی جاری در افغانستان ماهیت کرپه دموکراسی بورژوائی، نهادها، مجامع حقوق بشری و «مدنیت» و یا در واقع بربریت ناشی از این سیستم را که این چنین جان، شأن و حرمت انسان ها را تابع منافع آزمندانۀ خود ساخته است، یک بار دیگر و به عریانترین شکل ممکن به نمایش گذاشت؛ حوادث المناک این چند روز اخیر و سلطۀ وحوش طالب با کمک و زمینه سازی قدرتهای بزرگ سرمایه داری و حامیان منطقه ئی شان بی پایه بودن توهم خام فعالان جامعه مدنی و عده ای از

روشنفکران چپ را که فکر می کردند با اتکاء به نیروها و نهادهای بورژوائی می توان از شر طالبان نجات یافت عمیقاً به اثبات رسانید. تجربه زیسته مردم افغانستان و تراژیدی و بربریت رواداشته شده و جاری بر آنها بیان آشکاری از این حقیقت تلخ است که سرمایه داری جهانی وقدرتهای امپریالیستی علاوه بر برپائی جنگهای خونین، استثمار و تحمیل نابرابری و فقر تا چه حد نسبت به هستی، رفاه و آزادی کارگران و مردم فرودست بی اعتناء هستند و برای تحقق ستراتیژی و تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خود آن ها را به نیستی و تباهی می کشانند.

هرچند سلطه سیاه طالبان برای جنبش برابری طلب، آزادی خواه و ضد سرمایه داری طبقه کارگر و کل مردمان فرودست و آزادیخواه اعم از زن و مرد دهشتناک است و عقبگردهای زیادی را در همه عرصه ها بر جامعه تحمیل می کند، اما چنان که می بینیم قرار نیست که مردم مرعوب و به تمکین واداشته شوند؛ عصیان و اعتراض بی باکانه مردم به خصوص زنان و جوانان که از جان شان مایه می گذارند، نشان می دهد که طالبان و حامیان شان به همین سادگی نمی توانند رژیم استبدادی و باورهای عصرحجری شان را تحمیل نمایند.

حاکمیت این نیروی فاشیستی و حامیان جهانی آن دیر یا زود با جنبش های اجتماعی اعتراضی، حق طلب و رادیکال از آن میان جنبش طبقه کارگر، زنان و جوانان و همه مزدبگیران در گستره جامعه مواجه خواهند گشت. اگر امروز متاع «امنیت»، در حقیقت استبداد عربان را در صدر اولویتهای مردم قالب نمایند، بدون شک دیر یا زود با جنبش و مطالبات رفاهی مردم از جمله خواست نان، کار و حقوق دموکراتیک مواجه هستند؛ جنبش نان، کار و آزادی آن سیل بنیان کنی خواهد شد که بساط همه نیروهای بورژوائی و حامیان شان را در گستره اجتماع بر خواهد چید.

سازمان سوسیالیتهای کارگری افغانستان طالبان و جریان های اسلامی از این دست را نه صرفاً محصول جهالت، عقاید دینی و عقبماندگی مردم بلکه آن را بخشی از نیروهای بورژوائی در مناسبات کاپیتالیستی حاکم بر جهان و فراورده آن می داند. بر مبنای یک چنین تحلیل و برداشتی است که همواره به همه نیروهای انقلابی و برابری طلب فراخوان داده و می دهد که مبنای قضاوت شان را نه ظاهر و یال و کوپال این نیروها بل کارکرد و نقشی که در متن کل ساختار و سیستم حاکم دارند و منافعی که دنبال می کنند قرار دهند؛ برانداختن و به زیر کشیدن حاکمیت سیاه طالبان که در شکل و فرم امارت اسلامی سرمایه قرار است بر گرده مردم تحمیل گردد، با سازمانیابی و تحزب سوسیالیستی طبقه کارگر و همه مزدبگیران در همراهی و همسویی با جنبشهای ترقیخواه و برابری طلب دیگر می تواند ممکن و میسر گردد.

ما همچنان بر این باور هستیم که تسلط طالبان بر سرنوشت مردم به هیچ وجه بسادگی استیلای آنها بر جغرافیای افغانستان نخواهد بود. ما باور داریم که با هرچه تنگ تر شدن حدود آزادیها و گسترش اختناق، مقاومت در برابر طالبان بیشتر شکل گرفته و با انسجام بیشتر گسترش می یابد. هیچ تردیدی در پیروزی نهائی کارگران و فرودستان در برابر جنایت کاران طالب و حامیان بین المللی آنها نداریم.

نابود باد طالبان و حامیان آنها!

مرگ بر سرمایه داری!

زنده باد سوسیالیسم!

سازمان سوسیالیتهای کارگری افغانستان

۲۰۲۱ اگست ۱۹؛ ۱۴۰۰ اسد ۲۸